



الرُّعْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُورِثُ الْمَمَّ وَ الْحَرْنَ وَالرَّهْمَ فِي الدُّنْيَا رَاخَةٌ الْقَلْبِ وَ الْبَدَنِ. (تصف العقول، ص۳۵۸)

امام صادق علیه‌السلام فرمود:
میل به دنیا، مایه غم و اندوه است و بی میلی و زهد به دنیا، مایه آسایش دل و پیکر است.

در بیان ملائک

انتظار ، آینده فراگیر جهان

◀ **ابوالقاسم حسینجانی**

واماندن و منتظر ماندن، چیزی را حل نمی‌کند.

انتظار کشیدن آدمی هم باید حساب شده و «با برنامه» باشد.

کسی که نمی‌داند چه می‌خواهد بکند، چگونه می‌شود که کاری بکند؟ و آنکس که نمی‌داند به کجا می‌خواهد برود، چگونه می‌شود که به جایی برسد؟!

«زمان»، منتظر هیچ‌کس نمی‌ماند؛

و ما –

هرچه بیشتر صبر کنیم، دیرتر –هم– می‌شود!

انتظار راستین هرکس، از جمجمه و جان خود او، آغاز می‌گردد.

با «انتظارهای کوچک»، به «راه حل‌های بزرگ»، نمی‌شود دست یافت.

انتظارهای کوچک، راه حل‌ها را –هم– کوچک می‌کند!

ماه رمضان فصل مشترک قرآن و روزه

قرن‌ها است که قرآن و روزه در

ظرف رمضان همراهی دارند؛ اما بر اساس گزارش از امام صادق (ع) وقتی خداوند سه ضلعی مورد توجه نبوده است. هر چند از ثمرات قه‌ری و ملازمی آن، مردم نه البته نظام‌مندی و روش مند منتعم بوده‌اند.

پیش از اسلام رمضان، ظرف روزه نبوده و در ادیان مختلف، روزه‌های دیگری را روزه می‌گرفتند. بر اساس گزارش از امام صادق (ع) وقتی خداوند پیامبرش را برگزید، فضیلت ماه رمضان را به او و امتش اختصاص داد چرا که مردم، پیش از آن روزه‌های دیگری به جز ماه رمضان را روزه می‌گرفتند. این روایت به روشنی نشان می‌دهد که با نزول قرآن؛ خداوند قرآن و ماه رمضان با یکدیگر برای نخستین بار پیوند خورده‌اند.

به هر حال در نگرش فرهنگی- اجتماعی که رفته رفته در طول تاریخ اسلام تا روزگار ما نسبت به ماه رمضان به وجود آمده این ماه ماهیتی صرفاً فقهی دارد و در آن، یکی از مناسک و احکام مهم تشریح شده است.

از دیگر سوی و البته در یک سیر متزلز تاریخی، قرآن در فضای اجتماعی به دلیل نزول آن در ماه رمضان توجه مسلمانان قرار گرفته است هر چند در دوره معاصر، این توجه، تنها تبدیل به مراجعه به فرائث آن شده است اما هم به ندرت!

از این‌روز مسلمانان در ماه رمضان با نگرشی تکلیفی، روزه می‌گیرند و از باب تبرک، هر چند ناچیز قرآن می‌خوانند.

این رویکرد رایج، با تأمل در مفهوم و مقصود آیه‌ای از قرآن که ماه رمضان را معرفی می‌نماید، تفاوت ماهوی دارد. قرآن به‌صورت نظام‌مند ماه رمضان را با قرآن و روزه، شبکه‌می‌نماید این شبکه را طریقی به معرفت، فعال‌سازی نظام معرفت‌شناسی و راه‌اندازی معرفت پایه معرفی می‌کند. لذا توصیفی که قرآن ارائه نموده است با نگرش سنتی به رمضان تفاوت اساسی دارد.

به جهت این اهمیت است که آیه شریفه از هرگونه مسافرت غیرضروری در ماه رمضان، نهی نموده است زیرا چیزی که قرار است در این سبتر فراهم شود و نصیب انسان‌ها گردد معرفت و شناختی است که در زمان و مکان و طریق دیگری قابل دستیابی نیست و به راه‌اندازی و ارتقای هویت کانونی انسان و نظام شناختی و معرفت شناسانه او

سلسله درس گفتارهای

تفسیری منتشر نشده آیت الله شهید بهشتی (۶)

قرآن کتاب هدایت انسان، نه راوی ریزه‌کاری‌های علمی

دوستان لابد به این نکته توجه دارید که طبیعی‌ترین سال‌ها که شناسایی آن با کمک چشم‌وبدون محاسبات پیچ در پیچ ریاضی عملی باشد، سال قمری است. به اصطلاح برای پش‌با کمک خورشید و بدون قرارداد ابتدایی محاسبه ماه و سال بر مبنای سال قمری میسر است

وگرنه نمی‌شود سال درست‌کرد، البته قراردادی که متکی بر پایه‌های فلک‌شناسی است، اما نه پایه‌هایی که شناسایی آن برای مردم عادی میسر باشد.

مردم عادی می‌توانند نگاه کنند که ماه امشب یک ذره باریک است، پس شب اول است. فردا، پهن‌تر شده، خب یک شب روی آن آمده است. بعد بعد یک ذره پهن‌تر شده، شب سوم است. بعد هلال نصف شده، شب هفتم است. بعد قرص ماه تمام شد، شب چهاردهم است. دومرتبه یک‌مب شده، شب پانزدهم، شب شانزدهم تا شبی که دیگر ماه نیست. فردا شب هم ماه نیست، گاهی پس فردا شب هم نیست، این سه شب هم که آخر ماه است. پس همین طور یک ماه کامل می‌شود که ۱۲ تای آن هم یک سال است. بنابراین، شناسایی ماه و به دنبالش سال، به صورت طبیعی با کمک ماه میسر است.

اگر آن طور که بدبین‌های دنیا می‌گویند روزی جنگ هسته‌ای در دنیا شروع شود و تمام محصول تمدن بشر فرویزد و بشر گذشته که به قول ابن داسنان نویسنه‌های امروزر دروایای غارها زندگی می‌کردند دومرتبه بیرون می‌آیند و از همان اول حساب سال و ماه درست کنند، چه کار باید بکنند؟

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

این اندیشه‌های ژرف ، بزرگ و به‌دربخور هستند، که متولیان و معماران و آفرینندگان جهان انسانی‌اند.

با یک «تعریف» معمولی و محدود و دم دستی نمی‌شود به یک «راه‌حل» جهانی و انسانی فرارسید! «مسأله جهانی»، «راه حل جهانی» می‌خواهد… «انتظار»، یک «مسأله جهانی» است ؛ و «مدیریت موعود»، نمی‌شود که مبتنی بر نگره و نگاهمی «جهان-شمول» و «انسان-شمول» نباشد.

انتظار، آینده فراگیر انسان و جهان است. انتظار، مال هیچ کس نیست؛ مال همه است – و «آینده جهان» به آتانی بیشتر می‌رسد، که خود-خویششتن – به شایستگی و صلاحیت بیشتری رسیده باشند؛ [ان الاارض یرثها عبادی الصالحون] – قرآن/انبیاء، ۱۰۵ – این سرزمین «زمین» به، آتانی بیشتر خواهد رسید؛ که صلح و صلاح و صلاحیت ریشه دارتری داشته باشند! انتظار، صاحب نظر بودن –هم– است.

کسی که منتظر است، کارها را به امید دیگران رها نمی‌کند.

- پنجشنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۱**
- سال بیست و هشتم**
- شماره ۷۸۸۶**

همه «هستی» و هستی آفرین بزرگ، «چشم به راه» حرکت و حرکت آفرینی‌های حساب شده ما هستند.

اگر به راه نیفتیم، هرگز نخواهیم رسید.

این پا و آن پا کردن، بالاخره آدم را از پا خواهد انداخت!

اگر که خود اراده نکنید، هیچ کس برای شما کاری نمی‌تواند کرد.

این تصمیم و تدبیر و تغییر خودتان است که می‌تواند برایتان کاری بکند:

[شهر، خالی ست ز عشاق؛ بود کز طرفی/مردی از خویش برون آید و کاری بکند؟!] – حافظ –

هیچ‌کسی نمی‌تواند، کسی دیگر را خوشبخت کند. پیروزی یا تیره روزی هرکس، به دست خود اوست. این تصمیم، خواست و برنامه‌ریزی هرکسی ست، که «پیروزی» یا «تیره‌روزی» او را رقم می‌زند. آنکس که بهنگام و بجا، برای زندگی و آینده خویشش نتواند تصمیم بگیرد بی‌برو برگردد، این تصمیم دیگران است که او و زندگی‌اش را- در چنبره-



حَمْسَه فِی حَمْسَه وَالتَّائِسُ یَطْلُبُونَهَا فِی حَمْسَه فَلَا یَجِدُونَهَا. وَضَعْتُ الْعِلْمَ فِی الْجَوْعِ وَالتَّجَهُّدِ وَالتَّائِسُ یَطْلُبُونَهُ بِالشَّيْئَةِ وَالرَّاحَةَ فَلَا یَجِدُونَهُ.

خداوند می‌فرماید: پنج چیز را در پنج چیز پیدا نهماد؛ اما مردم، آنها را در پنج چیز دیگر می‌جویند

و نمی‌یابند. دانش را در گرسنگی و رنج و تلاش قرار دادم، در حالی‌که مردم آن را در سیری و آسایش می‌جویند. عارفان نیز به طور کلی بر این‌که روزه موجب مکاشفه حقیقت می‌گردد اتفاق نظر دارند. تحلیل آنان از چگونگی ارتباط روزه و زمینه‌سازی برای دریافت معرفت چنین است: سهل‌ستری و غزالی‌گفته‌اند که گرسنگی، خول دل را کم و نورانی و چربی قلب را آب می‌کند و بدین نحو قلب رقیق می‌گردد و این رقت، کلید مکاشفه است. اگر خون قلب کم شود راه دشمن تنگ می‌شود، زیرا مجاری قلب انباشته از شوهات است. تحلیل هجویری آن است که جوع، نفس را خاضع و قلب را خاضع می‌کند و یکی از ثمره‌های گرسنگی، مشاهده بر خودشان تحمیل می‌نمایند انتقاد نموده، خشوع حاصل شده از این نوع جوع را تصنعی دانسته و تنها جوع المنع یا همان روزه شرعی را در خشوع واقعی کارآمد و اثربخش دانسته است.

ماه رمضان فصل مشترک قرآن و روزه قرار داده شده است تا بتواند از طریق روزه بستری برای نزول معارف توحیدی و معرفت به محکمتا باشد.

بنابراین فلسفه جعل روزه در ماه رمضان نیز، کارکرد معرفت شناسانه آن در پیوند با قرآن بوده است، نه صرف تکلیف. واژه یسر در ادامه آیه نیز اشاره به این نکته دارد که فلسفه معین کردن روزه در ماه رمضان، به دلیل دستیابی به این کارکرد اثربخش معرفت شناسانده بوده است و نه به جوع نمی‌دانند. در برابر اما علامه طباطبایی اثر و



خدای شماست که خورشید و ماه را این گونه آفرید تا شما از آن نتیجه‌گیری کنید. ضمناً می‌خواهد به مسلمان‌ها بگوید وقت بشناسید، سرتان تو حساب باشد، وقت بشناسید و حساب وقت را داشته باشید. در زندگی تان حساب باشد. در کارتان وقت باشد. این را هم رعایت کنید. دو جنبه کار می‌کند و لذا بعد می‌گوید «ماخلق الله الا بالحق»، این جمله بسیار لطیف است. حرام طوره که عرض کردم، من واقعاً تا صف می‌خورم که بسیاری از مفسرین به جای این نتیجه‌گیری‌های ارزنده‌ای که جنبه‌های عملی در قرآن دارد و همان‌ها بیشتر مطرح است، سراغ لطایف و

دقیقی می‌روند که گاهی عقل خود ما هم به آن نمی‌رسد. ملاحظه کنید! قرآن می‌گوید نگاه کنید، خدایی که جهان را این طور آفرید و خورشید را این طور آفرید و ماه را این طور آفرید که یک وسیله محاسبه دست شما بدهد، خدای خودی این جهان را این طور درست نکرد. این دو وسایل محاسبه‌ای که خدا در این جهان آفریده، جز به حق نیافریده، از آن استفاده کنید. «یَفْضَلُ الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ» آتانی که در مغزشان یک خرده شعور و علم و درک هست، این طور آیات خدا را تفصیل می‌دهند.

■ بی‌دربی آمدن شب وروز از نشانه‌های پروردگار
درآیه «أَنْ فِی اخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ» کلمه اختلاف را ملاحظه فرموده‌اید که غالباً به معنای اختلاف، یعنی دورنگی، دوجور بودن شب وروز در اختلاف شب و روز، آیاتی برای مردمی که تفسیر می‌کنند. ولی این کلمه «اختلاف» را این

خواهد گرفت! برای آن که به نتیجه و دستاوردهای ریشه‌ای برسیم، باید که کاری ریشه‌ای بکنیم.

با کارهای روزمره و معمولی و پیش پا افتاده و کوچک، نمی‌شود که به «دستاوردهای بزرگ» رسید.

«ادیسون»، برای آن که به روشنایی (برق) –که خود، انفجاری نو در جهانی نو-بود دست یابد، سعی نکرد که کارگرد «شمع» را ارتقا و بهبود بخشد، بلکه او، دست در دست تهور و تغییر و تحول و باور آفرینی، درصد برآمد که – بیش و بیش از آن که چشمان مردمان را روشن کند – اندیشه‌ها و باورهای دنیا، را از درون، «تغییر» دهد و «روشن» سازد؛

و به همه جان‌های مشتاق جهان- به صراحت- اعلام کند که: آری، «کاری دیگر» هم می‌توان کرد و «طوری دیگر» هم می‌توان «روشن» شد! پس، بیابید: همین‌طور، چشم در راهی غبارگرفته نمانیم.

این غبارها را باید تکاند و خانه‌گتانی «جمجمه‌ها»، شرط اول قدم، در بازخوانی «جمعه‌ها» است!

حکمت‌های بی‌طرفی

◀ **دکتر منصور پهلوان**

استاد دانشگاه تهران

یکی از حکمت‌های نهج البلاغه که هم در حکومت و سیاست و هم در زندگانی فردی کاربرد دارد، حکمتی است که به مداخله نکردن در نزاع‌ها و آشوب‌ها دلالت دارد؛ آشوب‌هایی که طرفین آن به دنبال هوی و هوس خویش‌اند.

علی‌علیه‌السلام می‌فرماید:

كُنْ فِی الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّیْلُونَ، لَا ظَهْرَ فِیْرِكَبٍ، وَلَا ضَرْعَ فِیْخَلَبٍ (نهج البلاغه حکمت)

یعنی: در فتنه‌ها مانند بچه شتر باش که نه پشتی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی دارد تا دوشیده شود.

ابن ابی‌الحدید شارح معتزلی نهج البلاغه در ذیل این حکمت می‌نویسد: ایام فتنه، ایام دشمنی و جنگ ما بین دو رئیس گمراه است که هر کدام از آن دو مردم را به گمراهی فرا می‌خواند، مانند عبدالملک بن مروان و عبدالله بن زبیر، اما اگر یکی از آن دو، طرفدار حق و دیگری طرفدار باطل باشد، دیگر ایام فتنه نخواهد بود، مانند جنگ جمل و صفین و در این حالت نه تنها نباید بی‌طرف ماند، بلکه جهاد واجب می‌گردد و باید همراه طرفدار حق با باطل جنگید.

کاربرد این حکمت در زندگانی فردی روشن است، فی‌المثل اگر دو نفر هوی پرست و منفعت طلب با یکدیگر منازعه داشته باشند، ما نباید ملعبه یا نزدبان ترقی یکی از آن دو شویم.

اما کاربرد این حکمت در تصمیمات سیاسی و اجتماعی مهم‌تر است، فی‌المثل در جنگ‌هایی که بین کشورها و با اهداف منفعت طلبانه صورت می‌پذیرد، اعلام بی‌طرفی و حمایت نکردن از یکی از طرفین، شرط است. یادمان هست سال ۱۹۹۰ که صدام به کویت حمله کرد و کویت را یکی از اسنان‌های خود خواند و امریکا به پشتیبانی کویت آمد، برخی از دو آتشه‌های وطنی، حتی در مجلس شورای اسلامی، می‌گفتند ما باید امروز از صدام حمایت کنیم، زیرا او مانند خالد بن ولید است که تا کافر بود بیشترین ضربه را بر مسلمانان وارد کرد و چون مسلمان شد، «سیف‌الاسلام» لقب گرفت.

و اگر نبود درایت مردانی که اکنون زیر خاک خفته‌اند و اعلام بی‌طرفی دولت، شاید همان بلایی که بر سر عراق آمد، بر سر ما هم آمده بود.

جنگ جهانی دوم نیز خاطرات تلخی برای ما بر جای گذاشته است، جنگ آلمان و ایالتیا و ژاپن با متفقین در گرفته بود و رضا شاه که روابط حسنه‌ای با آلمان و شخص هیتلر داشت، نتوانست بی‌طرفی خود را عملاً به اثبات برساند و باعث شد مملکت ما از شمال و جنوب توسط بیگانگان اشغال شود. (برای اطلاع از روابط حسنه و هدایایی که بین رضا شاه و هیتلر رد و بدل شده است نگاه کنید به خاطرات ملکه پهلوی، انتشارات به آفرین، ۱۳۸۰)

آری در فتنه و آشوب باید مانند بچه شتر بود، تا کسی طمع نکند که سوارش شود یا شیرش را بدوشد.

مسجد کبود، نگین لاچوردی تبریز

◀ **مرجان قندی**

خبرنگار

ایران مساجد باشکوه زیادی دارد که هر کدام از آنها شاهکاری از هنر و معماری‌اند و شما در بازدید از آنها سرشار از احساس معنویت می‌شوید. یکی از مساجد تاریخی و باشکوه ایران مسجد کبود است، مسجدی که بخوبی معماری پس از اسلام ایران را به نمایش گذاشته است. بیشتر حجم ساخت و ساز این مسجد مربوط به دوره تیموری است. چیزی که باعث شده اینجا به مسجد کبود معروف شود وجود کاشی‌های لاچوردی رنگ است که زیبایی خاصی را برای مسجد به وجود آورده است.

اگر در هنگام ورود به مسجد به کتیبه بالای سر در نگاهی بیندازید اطلاعاتی درباره این مسجد را می‌بینید، طبق این کتیبه مسجد در سال ۸۷۰ هجری قمری ساخته شده اما این طور که معلوم است این تاریخ مربوط به زمان تمام شدن کاشیکاری‌های سر در بوده و ساخت مسجد چندین سال زودتر شروع شده است.

این مسجد در واقع چند منظوره بوده و هم جنبه مسجد و هم مقبره داشته است و در سرداب آن دو قبر هست که می‌گویند محل دفن جهانپناه و همسرش بوده است هر چند که امروز این قبرها خالی‌اند.

می‌گویند ساخت این مسجد حدود ۲۰ سال طول کشیده و مهندسان و معماران زیادی در ساخت آن مشارکت داشته‌اند.

از شاخصه‌های منحصر به فرد مسجد کبود تبریز، گنبد و تزئینات کاشی آن با طرح بی‌همتایش است که در کمتر جایی دیده شده است. مسجد کبود تبریز یکی از نمونه‌های بسیار زیبا و عالی انعکاس هنر معمار کاشیکاری است. کاشی‌های مسجد کبود تبریز دارای نقش‌های اسلیمی و با نقش شاخ و برگ و گل و بوته و طرح‌سازی و کاشی بری شکل یافته است. در نقاشی و ترکیب رنگ‌ها به اندازه‌ای لطافت و ظرافت به کار رفته که انسان خود را در مقابل تابلوی بسیار پر از سبزه و گل می‌بیند.

اما واقعاً رزله مهیب سال ۱۱۵۸ هجری شمسی جایگزین شود که باعث ویرانی شهر تبریز و کشته شدن عده زیادی از مردمان آن شد، از مسجد کبود هم بجز سردر و چندین جزر پایه چیزی برجای نماند و در فاصله بین سال‌های پس از رزله تا شروع مرمت، در ورودی اصلی و قطعات مرمرین و… به تاراج رفت. در نهایت باید گفت که تنها ۴ مسجد آبی رنگ در دنیا وجود دارد که یکی از آنها مسجد تاریخی تبریز است.



میراث معنوی

در مکتب قرآن